



پنجره‌ای رو به معبود؛ مربي بايد بذر قوه انسان را آبياري کند

مسئله تربیت تدریجی‌الوصول است؛ چه در بعد فساد انسان و چه در بعد صلاح او. مطلب دیگری که می‌خواهم در همین رابطه مطرح کنم این است که آیا این تدریجی‌الوصول بودن صلاح و فساد، سرعتش مساوی است؟...

مسئله تربیت تدریجی‌الوصول است؛ چه در بعد فساد انسان و چه در بعد صلاح او. مطلب دیگری که می‌خواهم در همین رابطه مطرح کنم این است که آیا این تدریجی‌الوصول بودن صلاح و فساد، سرعتش مساوی است؟ یعنی وقتی که می‌خواهند کسی را فاسد کنند، آیا فاسد کردن او از نظر سرعت و بُطی (کندي) مانند اصلاح کردن زمان می‌برد؟ مثلاً فرض کنید اگر کسی 2 ماه با شخص فاسدی رفاقت داشته باشد، آیا فاسد می‌شود؟ یا اگر مدتی در یک محیط فاسد باشد، آیا فاسد می‌شود؟ و همین‌طور اگر کسی 2 ماه در یک محیط سالم صالح باشد یا رفیق سالم صالح داشته باشد، آیا صالح می‌شود؟ اصل مسئله تدریجی‌الوصول است؛ حالا این مسئله مطرح می‌شود که آیا سرعت و کندیشان برابر است؟ آیا نقش تخریبی و نقش سازندگی از نظر بطيء بودن و سریع بودن یکسانند یا این دو با هم مختلف هستند؟ این یک بحث ریشه‌ای است.

استاد ما (رضوان‌الله تعالی علیه) در این رابطه مطالبی دارد که من عین مطالب و عبارات ایشان را نقل می‌کنم. ایشان می‌فرماید: #171& انسان ابتدای ورود به این عالم، حیوانی بالفعل است و تحت هیچ میزان، چیزی جز شریعت حیوانات-که اداره شهوت و غضب است- نیست». در جمله‌ای دیگر ایشان می‌فرماید: #171& در مقام خود مبرهن است که انسان در اول پیدایش، پس از طی منازل، حیوان ضعیفی است که جز به قابلیت انسانیت، امتیازی از سایر حیوانات ندارد و آن قابلیت انسانیت، فعلیه نیست (فعلیت ندارد). اگر در تحت‌تأثیر مربي (یعنی تربیت او) واقع نشود، پس از رسیدن به حد رشد و بلوغ، یک حیوان عجیب و غریبی می‌شود». مراد ایشان این است که هر بچه‌ای که به دنیا می‌آید، یک فعلیت و یک سری استعدادهایی دارد. ایشان می‌فرماید وقتی که بچه به دنیا می‌آید یک حیوان تمام‌عیار است. همه ما که به دنیا آمدیم، ابتدا از نظر فعلیت، یک حیوان دو پا بودیم. حیوان دوپا از چه چیزی تشکیل می‌شود؟ قوای حیوانی؛ یعنی شهوت و غضب و وهم. این سه مورد است که در کودک از ابتدای تولد و ورودش به این عالم وجود دارد.

همه ما از این نظر، فعلی هستیم؛ یعنی این قوا در وجود ما فعلیت دارد. اما از نظر استعدادی دو بخش از استعدادها را خدا در ما نهفته که من بارها از آنها به بذر و نشاء تعبیر کرده‌ام. خداوند در وجود ما، هم بذر انسانیت را پاشیده است و هم بذر معنویت را. به عبارت دیگر ما مفظوریم به فطرت انسانی؛ یعنی این مسائل با وجود ما همراه است. فطریات انسانی زیاد است؛ از جمله حیا؛ بذر و نشاء حیا را خدا در وجود همه ما کاشته است.

از آن طرف در بعد معنویت، آنجا هم فطریات هست؛ مثل خداجویی. در روایات هم داریم #171&؛ کُلُّ مَوْلُودٍ یُولَدُ عَلَی الْفِطْرَةِ و #171&؛ أَلْفِطْرَهُ هِی التَّوْحِيدُ» حالا بحث در مورد مربي است که وظیفه او چیست. تنها کار او این است که این استعدادها را با دستوراتی که از ناحیه خالق رسیده است به فعلیت برساند. کار مربي این است که آن استعدادها را با دستوراتی که رسیده است شکوفا کند؛ چون آن کسی که او را خلق کرده می‌داند که باید چه کاری روی این انجام شود تا این بذر سر در آورد. اصلاً احتیاج نیست که مربي زمین را شخم بزند یا بذر بپاشد؛ خصوصاً بچه، همه این استعدادها در او هست. فقط مربي باید آن را آبیاری کند. بعثت انبیاء برای همین بود. آنها آمدند برای اینکه دستوراتی را که برای به فعلیت رساندن این استعدادهاست، به ابناء بشر بگویند؛ یعنی انبیاء فقط برای تربیت این حیوان دو پا آمدند. مابه‌الامتیاز انسان از حیوانات دیگر همین استعدادهاست او است. انبیاء مبعوث شدند برای این هدف که این حیوان را انسان کنند و او را فرشته کنند.